### جلسه 17

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه فی الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

**بحث راجع به حرمت قمار بود.**

اقسام قمار

قمار دارای چهار قسم هست:

قسم اول (قدرمتیقن): بازی با آلات قمار همراه با بردوباخت مالی از ناحیه طرفین

قدرمتیقن از آن همان قسم اول است که لعب همراه با بردوباخت مالی باشد و مورد لعب آلاتی باشد که معد هستند برای قمار. مثلا با تخته‌نرد بازی کنند همراه با رهان و بردوباخت مالی. هم لعب مع الرهان است و هم مورد لعب آلات قمار است. این قدرمتیقن هست از حرمت قمار هم تکلیفا هم وضعا.

برخی از افعال صرفا حرام تکلیفی هستند، برخی از افعال هم صرفا حرام وضعی هستند، اما قمار هم حرام تکلیفی است، ‌هم حرام وضعی. خود قرارداد قمار و بازی قمار حرام تکلیفی است. و آن پولی که به دست می‌آورند از این راه حرام وضعی است و سحت است.

[سؤال: ... جواب:] قدرمتیقن این هست که بازی با آلات قمار مع الرهان حرام تکلیفی است اما آیا قرارداد بستن هم حرام است یا حرام نیست این بحثی است که بعدها باید دنبال بشود. ما فعلا قدرمتیقن از حرمت را بیان می‌کنیم، لعب مع الرهان با آلات قمار.

مسابقات علمی مصداق لعب نیست

لعب مع الرهان این لفظ لعب برای احتراز از چیزهایی است که عرفا لعب نیست؛ مشتمل بر بازی نیست. ما تبعا لشیخنا الاستاذ قدس سره مناقشه می‌کنیم در صدق عرفی قمار بر مواردی که بردوباخت هست اما نه بر سر بازی با یک شیء، ‌بلکه بر مسابقات علمی می‌گویند هر کس جواب صحیح بدهد این مقدار به او پاداش می‌دهیم حتی اگر شخص بازنده مجبور بشود که شخص برنده مبلغی بدهد، اما بازی نیست عرفا، عرفا لعب صدق نمی‌کند. ما در صدق قمار در آن مناقشه داریم.

بازی‌ای که شخص ثالث تعیین جایزه کند مصداق قمار نیست

قدرمتیقن از این حرمت قمار این است که مشتمل بر لعب باشد و این لعب هم مع الرهان باشد. شخص ثالث اگر جایزه تعیین کند این رهان نیست. رهان که در لغت مقامره را معنا کردند به مراهنه، قدرمتیقنش این است که آن غالب و برنده از مغلوب و بازنده وجهی دریافت کند. و در قرآن هم که فرموده است انما یرید الشیطان لیوقع بینکم العداوة و البغضاء فی الخمر و المیسر نکته‌اش همین است که شخص بازنده کینه شخص برنده را به دل می‌گیرد، چون باخته است به او مالش را، اما اگر جایزه از شخص ثالثی تعیین بشود یا از یک جهت ثالثه‌ای تعیین بشود [این مشکل نیست.] بله، بردوباخت به این معنا که برد و عدم برد، بردن و نبردن، به این معنا هست اما قدرمتیقن از قمار بردوباخت است که شخص بازنده مالی را از دست می‌دهد، یعنی از او می‌گیرند آن مال را و به شخص غالب و برنده می‌دهند. در مازاد بر این متیقن ما می‌توانیم اصل برائت جاری کنیم چون شک داریم در صدق قمار.

[سؤال: ... جواب:] این‌که دیگران با هم بشنینند با هم شرط‌بندی کنند بگویند هر کس پیش‌بینی کرد این تیم می‌برد یا می‌بازد و درست پیش‌بینی کرد، از آن کسی که اشتباه پیش‌بینی کرده است این مبلغ را می‌برد، این لعب نیست. قید اول که لعب بودن را ما دخیل دانستیم اینجا منتفی است. ما در صدق قمار مناقشه می‌کنیم. اکل مال به باطل اگر باشد حرمت وضعیه است نه حرمت تکلیفیه. بحث دیگری است. ما که نمی‌خواهیم جمیع عناوین فقهیه در اینجا مد نظر ما است. ما بحث‌مان در صدق قمار است فعلا. اما این‌که اکل به باطل گاهی صادق است عرفا آن بحث دیگری است. شما اگر یک شیء بی ارزش را هم به دیگری بفروشید این اکل مال به باطل است اما حرام تکلیفی نیست؛ قمار نیست.

و لذا قسم اول که قدرمتیقن از قمار است اللعب مع الرهان و کون ما یلعب به من آلات القمار.

[سؤال: ... جواب:] اگر برای شرکت در این مسابقه اجرتی تعیین بشود این ربطی به رهان ندارد. منتها آن مؤسسه‌ای که این مسابقه را برگزار می‌کند از همین وجهی که بابت شرکت تیم‌ها یا شرکت مردم در تماشا دریافت کرده جایزه‌ای به برنده‌ها می‌دهد این به نظر ما وفاقا لشیخنا الاستاذ قدس سره فی ارشاد الطالب اشکال ندارد.

بلیط بخت‌آزمایی مشتمل بر بازی نیست و لذا مصداق قمار نیست

این‌که مرحوم خوئی در مصباح الفقاهة فرمود این قسم اول، لعب مع الرهان بآلات القمار شامل بلیط بخت‌آزمایی می‌شود معلوم شد که نخیر، این درست نیست. بلیط بخت‌آزمایی مشتمل بر لعب و بازی نیست. شبیه شرکت در مسابقات است؛ منتها مسابقه غیر علمی است. افراد یک بلیطی را می‌خرند، ‌شماره سریالی روی آن بلیط نوشته است و بعد قرعه‌کشی می‌کنند، هر شماره‌ای که با قید قرعه برنده اعلام شد و می‌آید جایزه می‌گیرد.

[سؤال: ... جواب:] عرفا این لعب نیست. اما فوتبال‌بازی لعب است. فوتبال آلت قمار نیست. ... بهرحال بازی یک مفهوم عرفی است، ‌بازی ورق، تخته‌نرد بازی کردن، این بازی است. یک نوع لعب است اما این‌که بیایند بروند بلیط بخت‌آزمایی بخرند لعب صدق نمی‌کند. ما نمی‌گوییم قمار نیست‌، شک هم بکنیم اصل برائت از حرمت آن به عنوان حرمت قمار جاری می‌شود. و اما بازی فوتبال مشکل در بازی فوتبال که صدق قمار نمی‌کند یکی این است که عرفا اصلا با توجه به این‌که عرض کردیم این است که شخص مغلوب تیم مغلوب به تیم غالب و یا شخص غالب پولی بدهد، در بازی فوتبال، متعارف این نیست، متعارف این است که آن فدراسیون این کار را می‌کند، جایزه می‌دهد. و عرفا هم فوتبال آلت قمار نیست. برای این‌که این‌طور نیست که بازی بدون بردوباخت مالی در آن شاذ نادر کالمعدوم باشد. نخیر. فوقش آلات مشترکه است. آلات قمار آنی است که بازی بدون بردوباخت نادر کالمعدوم باشد. و الا بازی مشترک که هم با آن قماربازی می‌کنند و هم غیر قماربازی، این‌که آن را آلت قمار نمی‌کند.

[سؤال: ... جواب:] و لذا اگر بردوباخت توسط خود دو تیم صورت بگیرد که تیم بازنده باید برای تیم برنده بستنی بخرد، پول زمین را حساب کند، باز این از حیث لعب به آلات قمار حرام نیست. این داخل می‌شود در قسم‌های دیگر که لعب به غیر آلات قمار مع الرهان است که حکمش بعدا مطرح می‌شود.

[سؤال: ... جواب:] جایزه باید یک شیء با ارزش باشد حالا یا پول نقد باشد یا جنس غیر نقدی باشد یا یک خدمات با ارزشی باشد.

قسم دوم: بازی با آلات قمار بدون بردوباخت

قسم دوم لعب به آلات قمار است بدون بردوباخت.

بناء بر این‌که شطرنج هنوز آلت قمار است، بازی شطرنج بدون بردوباخت مالی آیا لعب با آلات قمار بدون رهان حرام است تکلیفا چون دیگر بحث وضعی مطرح نیست که بگوییم مالی که می‌گیرد حرام است، بحث تکلیف است که آیا این لعب بدون رهان با آلات قمار آیا حرام تکلیفی است یا حرام تکلیفی نیست این بحث مهمی است.

مرحوم نراقی: خلافی بین فقهاء امامیه در حرمت آن نیست

که مرحوم نراقی در مستند الشیعة گفته خلافی نیست بین علماء شیعه در حرمت آن و لو عامه اختلاف دارند.

[سؤال: ... جواب:] آلات قمار عرض کردم آلاتی است که متعارف در آن بازی همراه با بردوباخت مالی است به نحوی که بازی بدون بردوباخت نادر کالمعدوم است. این مقدار مشخص است. معنای آلات قمار مشخص است. و لذا در این قسم دوم بحث شروع می‌شود که آیا لعب به آلات قمار بدون بردوباخت مالی، بیایند با تخته‌نرد بازی بکنند برای تفریح بدون این‌که هدف بردوباخت مالی باشد، ‌برای سرگرمی، شطرنج بازی کنند با این‌که استصحاب فرض کنید می‌گوید هنوز شطرنج بازی قمار است، شطرنج‌بازی کنند بدون بردوباخت مالی، آیا حرام است یا حرام نیست؟ فاضل نراقی در مستند الشیعة فرموده است که لاخلاف فی حرمته.

مرحوم شیخ انصاری ابتداء‌ در ادله حرمت مناقشه می‌کند نسبت به این قسم دوم.

[سؤال: ... جواب:] آلات قمار مثل آلات لهو، مثل آلة القتل [است]. شما چرا می‌گویید شمشیر آلة القتل است؟ ممکن است با چاقو هم سر ببرند. چرا چاقو آلة القتل نیست؟ چون ابزار مشترکی است. عرفا شمشیر معد است بطبعه برای قتل و قتال و لذا شمشیر می‌شود آلات القتال، ‌ابزار جنگ و ابزار کشتن. اما چاقو هر چند بزرگ هم باشد تا قمه نشود، قداره نشود نمی‌گویند آلات قتل، آلات جرح و قتل. ... تبر آلات قتل و جرح نیست. ... نخیر. به عنوان آلات قتل نیست. می‌خواهید بحث قتل عمدی را مطرح کنید، ‌در بحث قتل عمدی ما یقتل مثله موضوع است. و شما تبر را یک وقت به پای طرف می‌زنید ما یقتل مثله نیست. یک وقت به قلب طرف می‌زنید، ‌سنگ بزرگ هم بزنید به سر طرف، ‌سنگ که دیگر آلت قتل نیست، ولی ما یقتل مثله نیست. عناوین را توجه کنید! در بحث قتل عمدی آنجا تعبیر می‌کنند ان یقتله بما یقتل مثله. ‌یا تتعمد قتله یا تقتله بما تقتل مثله. یک وقت هدف کشتن زید است می‌شود قتل عمد. یک وقت هدف کشتن او نیست اما با چیزی او را می‌کشید که عادتا کشنده است. و لو آلة القتل نباشد، ‌سنگی به سر او می‌زنید. در بحث آلات قمار ما دنبال عنوان آلات القمار هستیم. آلات القمار این است که عرفا معد بشود بطبعه برای قمار یعنی برای بردوباخت مالی. و این یک امر عرفی است.

معیار در تشخیص آلت قمار، عرف عام است (طرح بحث)

البته این بحث، بحث مهمی است که ما بعدا می‌خواستیم عرض کنیم، آقا اشاره کردند، ‌بد نیست ما هم اشاره کنیم که:

این‌که قسم دوم که بازی بدون بردوباخت مالی با آلات قمار که ادعا شده خلافی در حرمت آن نیست و مشهور بین فقهاء معاصر هم حرمت آن است، ‌بلکه مخالفی ما پیدا نکردیم، ‌مرحوم آقای خوانساری در جامع المدارک تشکیک کردند در ادله آن ولی فتوی به حلیت این قسم دوم ندادند، نوعا قائل به حرمت هستند ولی این اختلاف هست که آیا مصداق آلة القمار را عرف محل تعیین می‌کند یا عرف عام در معظم بلدان؟ این بحث، ‌بحث مهمی است.

مثلا آقای سیستانی نظرشان این است که عرف محل تعیین کننده است در صدق آلیة القمار. یعنی ممکن است بازی بیلیارد در شهر قم متعارف در آن، بازی بدون بردوباخت باشد و لذا در قم این بازی بیلیارد اگر بدون بردوباخت مالی به آن بازی بشود لعب به آلات قمار نیست. ولی در استامبول همین بازی متعارف در آن این است که بازی با بردوباخت مالی توأم است. در آنجا ایشان می‌فرماید این می‌شود آلة القمار.

شبیه آنچه که فقهاء ما در مکیل و موزون گفته‌اند. در ربا معاوضی گفتند تابع عرف محل است. اگر در قم تخم‌مرغ را کیلویی بفروشند، ‌گردو را کیلویی بفروشند، در قم اگر شما بیایید یک کیلو تخم‌مرغ رسمی را معاوضه کنید با دو کیلو تخم‌مرغ ماشینی، این ربا است. ولی در جایی که عددی می‌فروشند تخم‌مرغ را، شما ده تخم رسمی را در مقابل بیست تخم‌مرغ ماشینی بفروشید ربا نیست. چون ربا معاوضی مختص است به مکیل و موزون. ربا معاوضی در معدود نیست. انما الربا فیما یکال او یوزن.

همان مطلب را آقای سیستانی در بحث لعب به آلات قمار مطرح کردند. گفتند چه جور لاربا الا فیما یکال او یوزن انحلالی است، ‌در قم تخم‌مرغ ما یکال او یوزن نیست، ما یعد است، ولی در تهران ما یکال او یوزن است، ‌در تهران معامله کنیم تخم‌مرغ را چون جزء مکیل و موزون است، ‌تخم‌مرغ رسمی یک کیلو در مقابل تخم‌مرغ ماشینی دو کیلو، این ربا است. اما در قم چون عادتا با شمارش معامله می‌شود، این عرفا جزء معدودات است در عرف قم و زیاده در آن ربا معاوضی نیست. همین مطلب را در بحث آلات قمار آقای سیستانی مطرح کردند.

که البته جای مناقشه دارد که بگوییم خب این تابع عرف عام است نه تابع عرف بلد. برای این‌که اشکال فعلا مطرح بشود چون ما موعد مناسب این بحث نیست که الان دنبال کنیم بحث دیگری را می‌خواهیم دنبال کنیم، بحث کبروی را، و لکن برای این‌که این مطلب اشکالش یک مقدار جا بیفتد که دنبال حل اشکال برویم، ‌اشکال این است که شما چرا در سجود علی ما ینبت من الارض که استثناء شده است الا ما یلبس او یؤکل، آنجا همچون شرطی نکردید و گفتید آقا! در عرف قم، این میوه را نمی‌خورند، در عرف تهران این میوه را می‌خورند، پس در قم می‌شود سجد کرد بر آن چون ما یؤکل فی قم نیست. یا بر عکس، قنویت در قم خورده می‌شود پس قنویت ما یؤکل است در قم ولی در تهران، حالا مثال می‌زنیم، ‌شما از ما این مثال را بپذیرید، مردم تهران کلاس‌شان اقتضاء‌ نمی‌کند قنویت بخورند، ‌دست به بینی می‌گیرند و رد می‌شوند‌، ‌نه دیگه، ‌آنجا ما لایؤکل است، می‌شود بر آن سجده کرد. خب این کسی نگفته که. می‌گویند عرف عام می‌گوید قنویت ما یؤکل است حالا یک شهر بخورند یک شهر نخورند این مهم نیست. چه فرق است بین عنوان ما یؤکل، انما السجود علی الارض او ما نبت من الارض الا ما یؤکل او یلبس؟ ‌آنجا این حرف‌ها را نزدید اما وقتی رسیدید به بحث آلات قمار، اینجاها آمدید گفتید تابع عرف بلد است، این اشکالی است که باید رویش فکر بکنیم.

حالا قبل از این‌که روی این اشکال فکر کنیم بحث کبروی را دنبال کنیم.

ادله حرمت این قسم

مرحوم شیخ انصاری فرموده که استدلال شده بر حرمت این قسم دوم، لعب به آلات قمار بدون رهان، به ادله‌ای:

دلیل اول: تمسک به اطلاق ادله حرمت قمار

دلیل اول: گفتند اطلاق قمار که در روایات از آن نهی شده، شامل لعب به آلات قمار بدون بردوباخت هم می‌شود.

ما در تقریب این ادعا دو تا مطلب را نیاز داریم: یکی این‌که کبرایی داشته باشیم، دلالت کند بر حرمت قمار. دوم: ما از نظر لغوی تحقیق کنیم قمار به معنای مطلق لعب به آلات قمار باشد، نه خصوص لعب مع الرهان. اگر این دو مطلب به هم ضمیمه بشود این استدلال تمام است دیگه. هم اطلاق داشته باشیم در کبری حرمت قمار و هم از نظر عرف بگوییم القمار هو المطلق اللعب بآلات القمار، سواء کان مع الرهان‌ام لم یکن.

کبری: بررسی ادله حرمت قمار

اما راجع به کبری حرمت قمار خب گفته می‌شود که روایات عدیده‌ای داریم، برخی از آن‌ها را می‌خوانیم:

صحیحه معمر بن خلاد: هر چیزی که قمار است میسر است

روایت اول، ‌صحیحه معمر بن خلاد: عن ابی الحسن علیه السلام قال النرد و الشطرنج و الاربعة‌عشر بمنزلة واحدة و کل ما قومر علیه فهو میسر. حضرت فرمود کل ما قومر علیه فهو میسر، قرآن هم می‌گوید انما یرید الشیطان لیوقع بینکم العداوة و البغضاء فی الخمر و المیسر و یصدکم عن ذکر الله فهل انتم منتهون، انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه.

صحیحه معمر بن خلاد فرمود آلات قمار میسر هستند، کل ما قومر علیه فهو میسر، قرآن هم می‌گوید اجتناب کنید از میسر، ‌یعنی اجتناب کنید از آلات قمار، اطلاق دارد. اجتناب کنید. اجتناب کنید از قمار و آلات قمار. این اطلاق دارد.

[سؤال: ... جواب:] فرض این است که متعارف در این مثلا تخته‌نرد این است که با بردوباخت مالی بازی می‌شود، ‌ما به نحو غیر متعارف می‌خواهیم بدون بردوباخت مالی با آن بازی کنیم. ... قومر علیه یعنی بطور متعارف قمار باشد، این، میسر است.

[سؤال: ... جواب:] خب معنای میسر چیست، میسر در روایت گفت کل شیء قومر علیه فهو میسر. ... بالاخره ما نیاز داریم معنای میسر را بدانیم. پس روایت گفت میسر کل شیء قومر علیه، آیه هم که می‌گوید فاجتنبوا، اجتناب که ظاهر آیه این است که از قمار، در مورد آلات قمار اجتناب کنید.

‌صحیحه زیاد بن عیسی: قمار به اهل و مال،‌ مصداق اکل مال به باطل است

روایت دوم، ‌صحیحه زیاد بن عیسی‌: قال سألت اباعبدالله علیه السلام عن قول الله عز و جل لاتأکلوا اموالکم بینکم بالباطل فقال کانت قریش تقامر الرجل باهله و ماله فنهاهم الله عز و جل عن ذلک.

جواب: در این روایت قمار با بردوباخت حرام شده است

این روایت البته به نظر ما دلالت نمی‌کند. چرا؟‌ برای این‌که در روایت دارد تقامر الرجل باهله و ماله. اگر قمار هم صدق کند بر بازی بدون بردوباخت ولی در این روایت قید دارد، ‌بازی قماری می‌کردند باهله و ماله، ‌یعنی بردوباخت داشتند بر سر مال و اهل، ‌حتی نعوذبالله با سر زنان‌شان هم قماربازی می‌کردند.

[سؤال: ... جواب:] یا انحلال. گاهی مال می‌داد، ‌مالش تمام می‌شد اهل می‌داد. ... بردوباخت سر ناموس، این بردوباخت است دیگه. تقامر الرجل باهله و ماله فنهاهم الله عز و جل عن ذلک.

پس این روایت دلیل نمی‌شود.

پس کبرای حرمت قمار حالا حداقل طبق روایت صحیحه معمر بن خلاد به ضمیمه آیه شریفه فهمیده شد.

صغری: بررسی لغوی قمار

اما صغری قمار که آیا مطلق لعب به آلات قمار مصداق قمار هست و لو بدون بردوباخت؟

شیخ انصاری: صدق قمار بر بازی بدون بردوباخت مالی واضح نیست

مرحوم شیخ اشکال کرده. فرموده که به نظر ما صدق قمار بر مطلق لعب به آلات قمار و لو بدون بردوباخت مالی باشد صدق قمار بر آن مشکوک است، ‌واضح نیست. قامر الرجل خب لغت را ببینید!‌ در لغت واضح نیست که لعب بآلات القمار باشد:

در قاموس می‌گوید قامر الرجل راهنه فغلبه. راهنه یعنی رهان داشت، ‌بردوباخت مالی بود بر سر رهان. و هو التقامر.

اقرب الموارد می‌گوید قمر الرجل قمرا راهنه.

بله، در برخی از کلمات مطلق لعب به آلات قمار را قمار دانسته‌اند. مثلا مجمع البحرین می‌گوید که تقامروا لعبوا بالقمار اللعب بالآلات المعدة له نحو الشطرنج و النرد و غیر ذلک. ولی در ادامه‌اش تعبیر می‌کند می‌گوید و اصل القمار الرهن علی اللعب بشیء من هذه الاشیاء. اول می‌گوید اللعب بالآلات المعدة للقمار بعد می‌گوید و اصل القمار الرهن علی اللعب بشیء.

و لذا این واضح نیست که قمار به معنای بازی با آلات قمار باشد شاید به معنای بردوباخت مالی باشد بر سر آلات قمار. و لذا بعید نیست بگوییم معنای فارسی قمار بردوباخت مالی است در بازی با آلات قمار.

اگر هم کسی تشکیک کند، خب بگوید گاهی استعمال شده قمار در مطلق لعب به آلات قمار، مرحوم شیخ فرموده استعمال اعم از حقیقت است. استعمال احیانا با قرینه ملازم نیست با ظهور اطلاقی قمار نسبت به مطلق لعب به آلات قمار.

اشکال کبروی (شیخ انصاری): ادله حرمت قمار و شطرنج منصرف است به فرد غالب

بعد ایشان مناقشه کبرویه هم کرده. این مناقشه صغرویه بود، صدق قمار بر مطلق لعب به آلات قمار. مناقشه کبرویه هم کرده ایشان. می‌گوید ممکن است بگوییم اطلاقات تحریم قمار منصرف است بما هو الغالب. غالب این است که در لعب به آلات قمار بردوباخت مالی می‌شد و خطاب مطلق منصرف است به فرد غالب.

بعد ایشان فرموده است: این اشکال ما، انصراف اطلاق تحریم قمار بما هو الغالب من اللعب مع الرهان که اشکال کبروی است و لو صدق قمار بر لعب به آلات قمار مطلقا محرز بشود، کبری نهی از قمار منصرف است به ما هو الغالب من اللعب مع الرهان، ‌این اشکال ما در روایاتی هم که نهی می‌کند از لعب به آلات قمار، نهی عن الشطرنج و النرد، این ادعا آنجا هم می‌آید، با این‌که دیگه لفظ قمار در روایت نیست. روایات متعددی داریم که ان شاء الله جلسه آینده می‌خوانیم نهی کردند از شطرنج و نرد یعنی نهی کردند از بازی به شطرنج و نرد، لفظ قمار در این روایت نیامده. کانّه گفته لاتلعبوا بآلات القمار. مرحوم شیخ فرموده که ما اینجا هم بعید نیست ادعای انصراف کنیم، بگوییم انصراف دارد بما هو الغالب که لعب با این‌ها لعب مع الرهان بوده.

و لذا ایشان در این استدلال هم استدلال به دلیلی که می‌گوید قمار جایز نیست، اشکال کرد، هم اشکال کبروی و هم اشکال صغروی، ‌هم در صدق قمار بر لعب بدون رهان مناقشه کرد و هم اشکال کبروی کرد، انصراف دلیل نهی از قمار بما هو الغالب من العب مع الرهان و نسبت به دلیل دیگر که تمسک به روایاتی است که نهی از لعب به آلات قمار می‌کند، مثل نهی از لعب به شطرنج و نرد، آن اشکال کبروی را، انصراف به لعب مع الرهان، تکرار کرد.

تامل بفرمایید ان شاء الله تا جلسه آینده.

و الحمد لله رب العالمین.